

## جغرافیای گرجستان و تاثیر آن در بر مناسبات اجتماعی گرگی ها در دوران حکومت صفویان

زهرا قنبری مله (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup> مریم عربیون<sup>۲</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2021.6439.1066](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.6439.1066)

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۴. تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۱۸

نوع مقاله: ترویجی

### چکیده

موقعیت مهم و استراتژیک گرجستان سبب شده است تا در ادوار مختلف تاریخی محل منازع قدرت ها بزرگ بر سر دستیابی و تسلط بر آن باشد از همین رو در دوران حکومت صفویان و بویژه در زمان شاه عباس اول با توجه به پیوستگی های جغرافیایی این منطقه به عنوان یکی از ایالت های تحت تابعیت ایران سبب شد تا سیاست های نظامی صفویان با هدف تحقق برنامه های اقتصادی و سیاسی در تقابل با نفوذ عثمانی و روسیه تزاری چیدمان شود. لذا اجرای سیاست اسکان گرجیان در ایران توسط شاه عباس و ایجاد بستر مناسب در جهت استفاده از توانایی های آنان در خدمات کشوری و لشگری به عنوان « نیروی سوم»، توانست تصویر محکمی از اقتدار خود در حل منازعات داخلی و خارجی به نمایش بگذارد. با این وجود گرچه بسیاری از منابع به بازخورد حضور گرجیان در ایران و خدمات آنان اذعان داشته اند اما کمتر اثری را می توان یافت که به تاثیرات حمله شاه عباس به گرجستان در درون جامعه ایران و جامعه گرگی ها توجه کرده باشد. از همین رو این مقاله بر آن است تا با سود جستن از روش توصیفی- تحلیلی به بررسی پیامدهای اجتماعی حمله شاه عباس به گرجستان به این سوال مهم پاسخ دهد که موقعیت جغرافیایی گرجستان چه تاثیری بر بروز پیامدهای اجتماعی بر زندگی

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، z.ghanbari@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گرایش تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور، maryam.arabiun@gmail.com

گرچی ها در نتیجه حملات نظامی صفویان به این منطقه داشته است؟ فرضیه متصور آن است که موقعیت استراتژیک و ویژه جغرافیایی گرجستان، علاوه بر سیطره نظامی، منجر به افزایش مبادلات تجاری و اقتصادی و تغییر ترکیب جمعیتی شده است.

**واژه‌های کلیدی:** صفویه، شاه‌عباس اول، گرجستان، گرجیان، غلامان خاصه.

#### مقدمه

گرجستان یکی از مناطق مهم و سوق الجیشی محسوب می‌گردد که همواره به دلیل موقعیتی استراتژیکی بین دریای خزر، دریای سیاه و آناتولی، دارای ارتباطات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی با ایران بوده است. این منطقه با نفوذ اسلام به آن از سال ۲۵ ه.ق و حضور مسلمانان در آن نزدیک به پنج قرن، دوران آرامی را پشت سر گذارد به طوریکه مسلمانان در کنار گرجیان به صورت کاملاً مسالمت آمیز زندگی کردند و در این مدت مسلمانان به هیچ عنوان گرجیان را وادار به تغییر آیین نمودند و تنها از آنها جزیه دریافت می‌کردند.

با تصرف گرجستان به دست مغولان، این کشور اهمیت خود را به عنوان پایگاهی برای جنگ‌های صلیبی از دست داد و به تناوب تحت حوزه نفوذ ایلخانان ایران و مغولان زرین درآمد و پس از آن نیز تحت نفوذ تیموریان، آق‌قویونلوها و قراقویونلوها بود تا آنکه با فتح استانبول در سال ۱۴۵۳ق به دست سلطان محمد فاتح، بخش‌هایی از این سرزمین نیز توسط ترکان عثمانی اشغال شد. با آنکه ایوان مخوف و سایر تزارهای روسیه علاقه‌ی خود را به پادشاهان گرجی نشان می‌دادند اما به دلیل ضعف در ساختار حکومتی نتوانستند نفوذ و اقتدار مسلمانان را در این منطقه از بین ببرند. در این میان و در قرن شانزدهم میلادی با حاکمیت مقتدرانه صفویان در زمان شاه‌عباس اول، سلسله حکومتی مکران تفلیس با اجازه شاهان صفوی به حکومت پرداختند به گونه‌ای که در طی سالهای ۱۷۲۳-۱۶۵۸ میلادی نزدیک به یک سده آرامش و سکون در این ناحیه برقرار گردید (سلماسی زاده، ۱۳۷۸، ش ۲۸: ۱۰۷). شاه‌عباس به هنگام جلوس بر تخت سلطنت با آشفتگی اوضاع سیاسی در ایران روبرو بود که قزلباشان به عنوان نیروی لشکری و کشوری صفویه نقش عمده‌ای در شکل‌گیری این آشفتگی و بی‌نظمی داشتند. از همین رو مساله مهم شاه‌عباس در آن عصر، مشخص کردن وضعیت قزلباشان بود و لازم بود با تادیب آنها مانع بازیچه شدن خود توسط آنها شود. به همین منظور با ایجاد نیروی

سومی بنام غلامان، بخشی مهمی از مقام قزلباشان را گرفت و به غلامان خاصه اش تفویض کرد. غلامانی که به مناصب لشگری - کشوری گماشته می شدند غالباً " یا به پادشاه پیش کش و یا در جنگ اسیر می شدند این غلامان در زمان شاه عباس از سرزمین گرجستان که واحدی بزرگ از قفقاز است به دلایلی از جمله جنگ و ... به ایران کوچانده شدند و در مناطق مختلفی در ایران از جمله مازندران، اصفهان و نقاط دیگر اسکان داده شدند که در حال حاضر بخش مهمی از گرجی ها در شهرستان فریدن زندگی می کنند و همچنان به زبان گرجی با یکدیگر سخن می گویند (Rezvani, 2009, vol 4: 70).

از همین رو و با عنایت به بررسی بیشتر پژوهش های انجام شده درباره تاریخ گرجستان مقاله « بررسی و نقد منابع گرجستان و دولت صفوی نوشته تامیلا جموخادزه » یکی از مهمترین پژوهش های صورت گرفته در حوزه معرفی منابع جهت انجام پژوهش های تاریخی در عرصه روابط ایران و گرجستان در دوران حکومت صفویان محسوب می گردد که اطلاعات جامع و در خوری را در اختیار محققان قرار می دهد. این مقاله در شماره ۷۰-۷۱ نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است. برخی دیگر از منابع مطالعاتی نظیر «مناسبات ایران و گرجستان از آغاز تا عصر صفوی نوشته علی اکبر کجیاف»، «واقعیت های جدید در روابط سیاسی ایران و گرجستان در نیمه دوم قرن شانزدهم نوشته نانا گالشویلی» و کتاب «تاثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان» که به صورت مجموعه ای از مقالات گردآوری شده است نیز اطلاعات مفیدی در اختیار خوانندگان قرار می دهند. کتاب « جایگاه گرجی ها در تاریخ فرهنگ و تمدن ایران » نوشته سعید مولیانی نیز اطلاعات در خوری در مورد روابط ایران با گرجستان در ادوار مختلف تاریخی و نقش فرهنگی و اجتماعی و ادبی آنها در اختیار خوانندگان قرار می دهد. پژوهش های دیگری نیز در این خصوص توسط محققان نگارش یافته است که به دلیل تنوع آنها از ذکر نام شان صرف نظر می گردد اما توجه به این نکته حائز اهمیت است که عمده این پژوهش ها به مولفه های سیاسی حمله شاه عباس به گرجستان اشاره دارند و کمتر به مسائل اجتماعی و فرهنگی آن نظر داشته اند. لذا با توجه به تاثیر متقابل فرهنگ ایرانیان بر مردم گرجستان و بالعکس پس از حمله شاه عباس ، می توان دستاوردهای مهمی ولو اندک از آن مستخرج نمود که در این مقاله به آنها اشاره می شود.

### جغرافیای تاریخی گرجستان

بررسی موقعیت جغرافیایی گرجستان در منابع تاریخی عصر صفوی نشان می‌دهد که این سرزمین قسمتی از واحدی بزرگ به نام قفقاز بود که از سمت شرق محدود به چرکستان<sup>۱</sup> و مسکوی و از جانب مغرب به ارمنستان صغیر و از قسمت جنوب به ارمنستان کبیر و از سمت شمال به دریای سیاه می‌رسید (شاردن، ۱۳۴۵، ج ۲: ۱۵۸) و از سمت مشرق نیز تا دریای خزر امتداد می‌یافت (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۳۳۱).

این سرزمین باستانی که نواحی مرکزی آن به هفت ایالت تقسیم شده بود، مهمترین آنها کارتیل در گرجستان مرکزی و شمالی با مرکزیت تفلیس و کاخت در شمال و مزختیا در جنوب غربی و گوریا بین سامتسخا و ایمرتی قرار داشت (فلور، ۱۳۸۷: ۱۱۸). در واقع کارتیل همان ایبریای باستان و قلب سرزمین گرجستان و این منطقه خود به دو قسمت اصلی تقسیم می‌شد: کارتیل داخلی و کارتیل سفلی، مرکز کارتلی داخلی تفلیس و مرکز کارتلی سفلی روستاوی می‌باشد و در منابع فارسی از این منطقه کارتلی و کارتیل سخن رفته است. کشور کاخیت و سرزمین کارتویلیل داخل امپراتوری ایران است و ایرانیان آنها را گرجستان می‌خوانند (شاردن، ج ۲: ۱۶۰).

موقعیت جغرافیایی گرجستان به دلیل مجاورت با دریای سیاه، منطقه قفقاز و روسیه و ایران کلیدی و عالی بود و به منزله پل ارتباطی میان آن مناطق و سایر کشورها به شمار می‌رفت (مولیانی، ۱۳۷۹: ۳۹). شاردن سیاح معروف به روشنی وضعیت آب و هوایی گرجستان را توصیف می‌کند:

« آب و هوای گرجستان مطبوع می‌باشد در زمستان بسیار سرد و خشک و در تابستان بی‌نهایت گرم است... گرجستان کشوری است فوق‌العاده منبت و حاصلخیز، هرگونه میوه مطبوع و لذیذ در این سرزمین پیدا می‌شود. خون و نژاد مردم گرجستان بسیار عالی و زیباترین نوع مردمان مشرق است... » (شاردن، ۱۳۴۵، ج ۲: ۱۶۷ و ۱۶۹).

شاردن در ادامه درباره کیاست گرجی‌ها چنین می‌آورد:

« مردان بسیار باهوش و با کیاستی که اگر در آموزش و پرورش آنان دقت لازم به عمل آید دانشمندان بزرگ و استادان عالیقدری در تمام شعب علوم و فنون پا به عرصه وجود خواهند نهاد » (همانجا)

۱- یکی از بلاد قفقاز در جنوب شرق روسیه

دلاواله نیز از زیبایی های آن بسیار تمجید می کند و گرجستان را همانند استان لمباردی ایتالیا می داند و از شجاعت سربازان گرجی به نیکی یاد می کند (دلاواله ۱۳۴۸: ۵۹). استان اصلی گرجستان مرکزی که تفلیس در آن قرار دارد (لانگ: ۱۳۸۹: ۱۸)، در محلی زیبا واقع شده و «شهر بزرگ‌گست که از حیثیت ابنیه نسبتاً عالی است و تجارت ابریشم در آنجا می‌شود» (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۳۳۱).

### روابط ایران با گرجستان در دوران حکومت صفویان

گرجستان به دلیل قرار داشتن در یک موقعیت کاملاً استراتژیک و راهبردی، در برقراری ارتباط بین راههای مواصلاتی و تجاری شرق به غرب و شمال به جنوب نقش مهمی را ایفا نموده و از آنجا که مسیرهای منتهی به دریای سیاه از گرجستان عبور می کرد، همواره می توانست مورد هدف های توسعه طلبانه حکومت های اطراف خود از جمله ایران، عثمانی و روسیه قرار گیرد. لذا نقشه ی پی ریزی شده هر یک از حکومت ها در درجه اول تسلط کامل بر گرجستان و ایجاد وفاق بین قبایل گرجی و تقویت آنها در مقابل سایر حکومتها و در گام دوم دستیابی کامل بر شاهراه تجاری منطقه بوده است. (پور محمدی و انصاری، ۱۳۹۶، ش ۱: ۵۵-۵۶).

به استناد گزارش های تاریخی، حمله ی صفویان به گرجستان در زمان شاه اسماعیل اول به سرکردگی خادم بیک منجر به کشته شدن گرجی ها و کسب غنائم بسیار شد (روملو، ۱۳۸۴: ۶۱ و نیز واله اصفهانی ۱۳۷۲: ۹۴). پس از شکست ایران در نبرد چالدران، شاه اسماعیل دیوسلطان روملو را برای سرکوبی مقاومت حاکم کاخ به گرجستان فرستاد و با تحمیل شکست بزرگان گرجی را وارد ساخت تا هدایای بسیار تقدیم او نمایند (حسینی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۳۸-۱۳۹). شاه طهماسب در دوران سلطنت خود چهار بار به گرجستان یورش برد؛ اسکندر بیک ترکمان عمده ترین انگیزه شاه طهماسب از حمله به گرجستان را تقابل و دفع حملات گرجی ها به مناطق مسلمان نشین گرجستان دانسته است (ترکمان، ۱۳۸۲: ۸۵) و سیوری نیز «تمایل { شاه طهماسب} به تجربه اننوزی سپاهیان قزلباش در جنگ و گرفتن غنائم» را دلیل حملات یاد کرده است (سیوری، ۱۳۸۴: ۶۲-۶۳). این علاقه از آن نشات می گرفت که کلیساهای گرجی منبعی غنی از طلا و جواهرات بودند که به خزانه دربار صفوی سرازیر می شد (پناهی، ۱۳۹۴، ش ۱۷: ۵۶). از همین رو از آنجا که بخش عمده ساکنین نواحی قفقاز مسیحی بودند دست زدن

به این حملات، با بهانه مناسب جهاد علیه کفار تفسیر می شد از همین رو لشکرکشی های طهماسب بخشی از یک سیاست عمدی برای حفظ روحیه و کارائی جنگی قزلباش ها بود تا مرهمی باشد بر جراحت مضاعفی که در نبرد چالدران با عثمانی بر آنان وارد آمده بود ( نوایی، ۱۳۹۲: ۹۲). به این ترتیب جایگاه جغرافیایی و طبیعی سرزمین گرجستان با در نظر گرفتن موقعیت ممتاز آن چه به لحاظ دارا بودن زمین های حاصلخیز و چه به لحاظ شرایط سوق الجیشی نظامی آن از یک سو و نزاع دو دولت ایران و عثمانی برای تسلط بر آن از سوی دیگر سبب شد تا گرجستان بر پایه معاهده آماسیه در سال ۱۵۵۵م/۹۶۲ق به دو بخش مهم تقسیم شد؛ بخش شرقی آن به ایران، بخش کوهستانی و غربی آن به عثمانیان تعلق گرفت (گوگجه، ۱۳۷۳: ۲۹-۳۰). گرچه مردم گرجستان در مدت سلطنت شاه اسماعیل و شاه طهماسب باجگذار صفویه به شمار می رفتند (شاردن، ۱۳۴۵، ج ۲: ۱۷۷) اما در دوران حکومت شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده به دلیل آشفتگی حاکم بر دربار صفوی، سبب شد تا ترکان عثمانی بر شدت مداخلات خود در قفقاز بیافزایند با این وجود پادشاه کاخ الکساندر اول و پادشاه کارتل سیمون، فرزندان خود را برای اثبات وفاداری به دربار صفویان اعزام نمایند (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۳۳-۶۳۴).

تاثیر نبردهای شاه تهماسب با گرجیان و اهالی قفقاز نظیر چرکس ها و لزگی ها بعدها در حکومت شاه عباس اول نمود یافت به گونه ای که بسیاری از تصمیمات مهم سیاسی شاه عباس در ساختار حکومت صفوی در نتیجه هجوم طهماسب به گرجستان پدید آمد که پس از فروکش کردن تاخت و تازها و وارد شدن آرام زنان و مردان گرجی در ساختار دولت صفوی، تاثیرات خود را بر جامعه ایران آشکار ساخت (پناهی، ۱۳۹۴، ش ۱۷: ۵۸).

در زمان حکومت شاه عباس اول گرچه حاکمان گرجستان از سوی منصوب شده بودند (مولیانی، ۱۳۷۹: ۱۳۱)، اما هر از چند گاهی می کوشیدند تا استقلال خود را یازابند اما هر بار صفویان بر آنها تسلط می یافتند و ضمن پرداخت مالیات سرانه و مالیات اراضی، به نام و القاب شاه خطبه می خواندند و سکه می زدند (فلور، ۱۳۸۷: ۱۱۸-۱۱۹) و پادشاهان گرجستان هرچند یکبار با هدایائی به نزد شاه می آمدند و مراتب اطاعت خود را اعلام می کردند (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۳۷۹)

با وجود آنکه روابط پادشاهان گرجستان با دربار صفوی تا سال ۱۰۱۲ قمری حسنه بود اما خلق رویدادهایی در گرجستان منجر به ثبت وقایع خونبار در این سرزمین گردید. گئورکی

سأکادزه از فرماندهان لهراسب پادشاه کارتل محسوب می شد که توانسته بود به خاطر رشادتهایش در نبرد با ترکان عثمانی فرماندار تفلیس شود و مقام موئوراوی بزرگ یا وکیل ارشد به او اعطا گردد. همین امر سبب شد تا بزرگان کارتل که حسادت و دشمنی قبلی با گئورگی داشتند و اکنون نیز به عنوان برادر زن لهراسب برگزیده شده بود، وارد عمل شدند و چندان در گوش لهراسب خواندند تا نظر مساعد وی را نسبت به گئورگی برگردانند و از لهراسب خواستند که او را به قتل برساند اما گئورگی توانست از توطئه مخالفانش جان سالم به در برد و به دربار شاه عباس پناه بیاورد. او در اصفهان از رشادتهای خود و خدماتش به لهراسب و ناسپاسی وی برای شاه عباس سخن ها گفت و با سخنان خود که از زیبایی و دلنوازی دارژان خواهر لهراسب برای شاه عباس تعریف می کرد آتش عشق شاه را شعله ور نمود (شاردن، ۱۳۴۵، ج ۱: ۳۳۹). از همین رو شاه عباس افرادی را برای خواستگاری نزد لهراسب فرستاد اما او اعتنائی نکرده و اعلام کرد خواهرش نامزد تهمورس خان امیر کاختی شده است و همین امر خشم شاه عباس را برانگیخت (نویسی، ۱۳۹۲: ۲۱۱). سپس شاه با نامه ای از تهمورس خان خواست که به اصفهان بیاید و از خواهر لهراسب خان صرف نظر کند؛ اما این امر به دلیل جنگ با عثمانی عملی نشد تا آنکه در سال ۱۰۲۱ ه.ق شاه عباس به لهراسب و تهمورس اعلام کرد که به مازندران آمده و در مراسم شکار شرکت کنند اما آنان از نیت شاه باخبر بودند آن قدر در این امر تاخیر کردند تا شاه به اصفهان بازگشت (همان: ۲۱۲). اسکندر بیک ترکمان در عالم آرای عباسی از این عشق سخنی به میان نیاورده است و علت حمله شاه عباس را در نافرمانی لهراسب خان و تهمورث خان در سرپیچی از اوامر شاه برای حضور در مراسم شکار می داند:

« و هر کدام آمدن خود را به دیگری موقوف داشتند چندان تعلل کردند که هوای مازندران رو به گرمی آورده فصل بهار و موسم شکار آنجا گذشت و حضرت اعلی از آن ولایت بیرون آمد «(ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۸۶۸).

دلاواله نیز بر این عقیده است که داستان عشق شاه عباس به دارژان، بهانه ای بیش برای برای حمله به گرجستان نبوده است:

« به گمان من تمام این عشق و علاقه چه از طرف او و چه از طرف آن زن دروغ است و شاه عباس می خواهد بدین وسیله ممالک تهمورث خان و سایر امیران گرجی را متصرف شود» (دلاواله، ۱۳۴۸: ۶۰).

سرانجام در سال ۱۰۲۳ ه.ق که شاه عباس به گرجستان لشکر کشید و تهمورس خان از

کاختی به ولایت کارتلی رفت و با لهراسب به ولایت آچوق فرار کردند؛ پس از فرار سلاطین گرجستان، شاه عباس سفیری نزد گرگین خان، امیرباشی آچوق فرستاد و از او خواست که ایشان را تسلیم کند (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۸۶۹). سرانجام حمله شاه عباس به کاخ، منجر به قتل عام مردم و اسارت بسیاری از مردم شد. برخی از منابع اسارت سی هزار نفر از مرد و زن و به غنیمت گرفتن چهل هزار گاو و گوسفند اشاره کرده اند (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۰۶) و برخی دیگر همچون فیگوئرا تعداد اسرا را هشتاد هزار نفر بر شمرده است (فیگوئرا، ۱۳۶۳: ۱۵۹). گرچه شاه عباس اول با بی رحمی کشتار فجیع در گرجستان پدید آورد و در منابع از او به عنوان ملعون و « خصم فرمانروایان بر حق » یاد شده است (کجیاف، ۱۳۸۵، ش ۲۹: ۳۶) اما در دوران حکومت جانشینانش همچون شاه صفی و شاه عباس دوم آرامش و صلح بر گرجستان حاکم شد و این سرزمین از قتل و غارت های پی در پی رهایی یافت.

### تاثیر اجتماعی یورش نظامی پادشاهان صفوی به گرجستان

#### ۱. گسترش سیاست مذهبی در میان گرجی ها

یکی از مهمترین نتایج حاصل از حمله صفویان بویژه شاه عباس اول به گرجستان، اتخاذ سیاست های مذهبی در جهت مسلمان کردن گرجیان بوده است. سیاستی که سلاطین عثمانی نیز در پی آن بوده و انگیزه خود از حملات را ترویج و گسترش اسلام در بین کافران مسیحی بیان می کردند. از همین رو اسلام آوردن و شیعه شدن گرجیان مسیحی، به خصوص طبقات اشراف و حاکمان گرجی در وهله اول و سپس سایر طبقات در مرحله بعدی بسیار مورد توجه صفویان بوده است. کمپفر از فراوانی گرایش به اسلام در میان گرجی ها بویژه طبقات پایین یاد می کند و این امر را در نتیجه اغوای آنها با مزد و پاداش توصیف می کند. وی تعداد گرجی های مسلمان شده ساکن در پایتخت را بیست هزار نفر می داند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۶۸-۲۶۷).

گرچه سیاست مذهبی شاهان صفوی در تسخیر گرجستان به بهانه مسلمان نمودن آنها در ظاهر بوده است اما اهداف واقعی همچون گسترش قلمرو، دستیابی به شاهراه تجاری و در نهایت کسب غنائم از مهمترین دلایل حمله به گرجستان محسوب می شده است. با این وجود برخی از شاهان صفوی با اتخاذ تدابیر سیاسی به دنبال اسلام آوردن شاهزادگان و پادشاهان گرجی بوده اند به عنوان نمونه شاه تهماسب که فرد متعصب مذهبی بود و بر طبق نوشته ی مورخان به مسایل مذهبی توجه ویژه ای داشت، علاقه مند بود که گرجیان شیعه شوند از همین رو حمایت



های نظامی از پادشاهان گرجی را منوط به اسلام آوردن آنها دانستند؛ دو فرزند لهراسب سیمون و لهراسب که بر سر قلمرو با یکدیگر به نزاع مشغول بودند از شاه طهماسب درخواست کمک کردند و شاه ایران پذیرفت هر کس زودتر ایمان بیاورد مورد حمایت نظامی حکومت ایران قرار خواهد گرفت (شاردن، ۱۳۴۵، ج ۱: ۳۳۶-۳۳۷).

در پاره ای از موارد نیز مسلمان شدن حاکمان گرجی همراه با دریافت پاداش بوده است به طوریکه داوود که زودتر از برادر خود مسلمان شده بود علاوه بر دریافت لقب خان از سوی شاه، فرزند وی خوانده شد و به حکومت تفلیس دست یافت (همانجا).

در دوران حکومت شاه عباس اول و با عنایت به استفاده از نیروهای گرجی و چرکسی به عنوان نیروی سوم، سبب شد تا در وهله اول خدمت رسانی به پادشاه ایران، گرجی ها به اسلام روی بیاورند و حقوق خود را به طور مستقیم از خزانه شاهی دریافت کنند و صرفا از شاه فرمان می بردند (وکیلی و حسینی محراب، ۱۳۹۰، ش ۲: ۸۳). همچنین پس از حمله شاه عباس به گرجستان و استیلا بر این منطقه، بانگ اذان از کلیساهای آن به گوش می رسید (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۸۷۴).

پذیرش اسلام در میان برخی از صاحب منصبان گرجی با تظاهر همراه نبوده است و برخی از آنها با نهایت علاقه در مسلمانی خود ثابت قدم بوده و به همان میزان به حکومت صفوی وفادار بودند. به عنوان نمونه می توان از رستم خان یاد کرد. وی در سال های نخستین سلطنت شاه صفی رستم خان داروغه ی اصفهان و قولر آغاسی بود و با نام خسرو میرزا و خسرو خان نیز شهرت داشت شاه صفی رستم خان را بهترین فرد برای مقابله با شورشیان گرجستان دانست و حکومت گرجستان را به او سپرد. سابقه ی او در خدمت به دربار صفوی از دیدگاه صفویان درخشان بوده است. او در سرکوبی دشمنان داخلی و خارجی صفویان بی تاثیر نبوده است و به تعبیر نویسنده خلاصه السیر « نهایت خلوص عقیدت و یک چهرتی بود » و گذشته از آن یک فرد گرجی مسلمان شیعه و وابسته ی کامل به صفویان بود. او تهمورس را شکست داد و قدرت را در تفلیس به نام شاه در اختیار گرفت و تا زمان مرگش در حکومت گرجستان باقی ماند (همان: ۸۵). در این میان ارجیل خان و امیلا خور، زال ارسطاو با تلنگری به اسلام روی آوردند و حتی شیعه دوازده امامی شدند: « چون چراغ ابد فروغ این دولت والا پیوسته گم گشتگان بادیه جهالت و ضلالت را به عذب ایمان و القان هدایت می نماید در این وقت ارجیل خان و گیو بیگ امیلاخور گرجستان برهنمایی آن نور هدایت فروغ مهتدی گشته قدم در شاهراه مذهب حق ائمه

اثنی عشری گذاشته و از خلوص عقیدت به تاج ایمان و ملبس به لباس ایقان گشتند» (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۳۳۱).

## ۲. به کارگیری گرجی ها در ساختار نظامی صفویان

آن گاه که شاه عباس اول که در سال ۹۹۶ ه.ق بر تخت نشست، مصمم شد تا به منظور کاهش قدرت نظامی قزلباشان و تادیب آنها سیاست جدید اتخاذ کند. قزلباشها که بدنه اصلی ساختار نظامی صفویه را تشکیل می دادند از زمان سلطنت شاه طهماسب اول برای کسب قدرت، توطئه می چیدند و عملاً تا زمان شاه عباس اقدامات جدی برای مهار این نیرو نظامی صورت نگرفته بود. شاه عباس که از توطئه آنها آگاه بود بر آن شد تا با استفاده از غلامان گرجی و چرکسی مسلمان شده سپاهی مجهز سامان دهد تا با اتکاء به آنان بتواند ضمن تقابل با قدرت قزلباشان، از سرکشی آنها جلوگیری کند و در عین حال در مقابل تاخت و تازهای بیگانگان قدرتمندتر عمل می کردند لذا تعدادی از غلامان گرجی و چرکسی که در بخش جدید یا قوللر مشغول به فعالیت بودند نزدیک ۴۰۰۰۰ هزار نفر می رسیدند و باقی آنها در مشاغل مختلف دولتی به کار گمارده شدند (شاردن، ۱۳۴۲، ج ۸: ۲۱۳ و نیز والسر، ۱۳۶۴: ۳۵).

روند آموزش گرجی های اسیر شده اینگونه بود که در ابتدا انبوه کودکان و جوانان گرجی، ارمنی و چرکس از کودکی در دستگاه درباری ایران، یا در خدمت وزیران و اعیان و سران لشکر تربیت می یافتند و به دین اسلام درمی آمدند و سپس در سلک غلامان شاه داخل می شدند (فلور، ۱۳۸۷: ۲۲۰). کمپفر هم ضمن تایید روایت فلور بر این امر تاکید می کند که غلامان بعد از پذیرش اسلام در بیوتات سلطنتی تربیت شده و خواندن و نوشتن می آموختند تا بعدها بتوانند در دربار و در کارگاهها یا در قشون خدمت نمایند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۵۴) و سپس به عنوان وفادارترین و توانمندترین غلامان به عالیترین درجات می رسیدند و از امتیاز تماس مستقیم پادشاه برخوردار می شدند (بابایی، ۱۳۹۳: ۲۰) و عملاً نفوذ و تاثیر عناصر گرجی در امور داخلی ایران فزونی یافت (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۷۷) و طی مدت کوتاهی گرجیان به بالاترین مقامات کشوری منصوب شدند (سیوری، ۱۳۹۵: ۷۹) و «شاه تا آنجا که آنها را اهل ذوق و کوشا و مفید و خوب تشخیص می داد به مقامات مناسب برمی گماشت» (شاردن، ۱۳۴۵، ج ۸: ۱۵۱).

همچنین شاه عباس اول برای گسترش دادن قدرتش به سراسر کشور به قورچیان و غلامان

خود متکی بود (فلور، ۱۳۸۷: ۲۱۹)؛ چنان که شاه عباس لشکری از غلامان شاهی (قوللر) تشکیل داد و لایق ترین آنها را به مهمترین مقامات دربار و یا والی گری منصوب کرد (والسر، ۱۳۶۴: ۲۸) و از آنجا که گرجیان هسته اصلی ارتش و سپاهیان وی را تشکیل می دادند، شاه عباس با مساعدت آنها موفق به تغییر کلی تشکیلات نظامی شد (میر احمدی، ۱۳۶۹: ۵۳). از جمله مهمترین آنها می توان به الله وردی خان اشاره کرد که توانست به قدرت سیاسی قابل توجهی دست یابد و به فرماندهی غلامان سلطنتی، قوللر آقاسی، برسد او در هنگام انتصاب به اعطای « طبل و علم»، به لقب خانی نیز مفتخر شد. وی حاکم ایالات فارس و کهگیلویه بود و چون پیر بود شاه عباس او را « پدر» خطاب می کرد. امام قلی خان نیز از دیگر گرجی های موفق در ایران بود که حاکم فارس به مدت ۱۸ سال شد و در بر هم زدن لنگرگاههای کشتی های پرتغالی ها در خلیج فارس نقش افرین بود. خسرو میرزا شاهزاده گرجی هم در سال ۱۰۳۰ ق به سمت داروغه اصفهان درآمد در آخر نیز می توان از جانی خان یاد کرد که به فرماندهی کل قورچیان به عنوان نیرومندترین بخش سپاه منصوب شد (تاثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان، ۱۳۸۰: ۲۱۳ و ۲۲۴).

علاوه بر حضور گرجی ها در ردیف مقامات نظامی و سیاسی منتفذ در ساختار حکومت صفویه، نباید از عملکرد اجتماعی و اقدامات عام المنفعه بسیاری از آنها چشم پوشید. الله وردی خان از مهمترین سازندگان و حامیان ساخت سی و سه پل در اصفهان بود (همان ۲۲۴) و امام قلی خان نیز به عمران و آبادانی فارس بسیار علاقمند بود. او در سال ۱۰۲۴ ق، مدرسه بزرگی مشتمل بر صد حجره فوقانی و تحتانی و چهار اتاق وسیع و بلند به ارتفاع شانزده ذرع و چهار باغ در چهار جانب بود به گونه ای که تمام حجره های آن به سمت باغ و مدرسه مشرف بود. این مدرسه در محله بازار مرغ و محله اسحاق بیگ شیراز احداث شده بود که به مدرسه « خان» مشهور شد. همچنین امام قلی خان در اطراف منطقه ای موسوم به ایزدخواست، باغ و عمارتی با نام رفین آباد یا امام آباد بنا نهاد و چندین کاروانسرا نیز در شیراز برای رفاه حال مسافران ساخت. وی برای نزدیک کردن راههای کاروان رو، به بریدن کوهها و ساختن پلهای بزرگ اقدام کرد و تلاش های بسیاری در جهت احداث سیل بند و رونق کشاورزی در دستور کار خود قرار داد. وی در نشر علوم، صنایع و تشویق دانشمندان و شاعران علاقه بسیار نشان داد و گروهی از خوشنویسان در سایه تشویق او زندگی می کردند. ملا مخفی رشتی یکی از شاعران دستگاه امام قلی خان بود که سه پایه ای طلایی برای او ساخته بودند و در وسط مجلس می گذاشتند ملا بر

روی آن می نشست و خان از گفتار او فیض می برد. همچنین پنج نقاش به نام های حکیم لایق، ملا ترابی، ملا یگانه، ملا یکتا و ملا مفید که همه آنها از اهالی بلخ بودند در خدمت امام قلی خان در فارس بودند. لذا ایجاد امنیت در راهها و تعریض نمودن جاده ها از دیگر اقدامات مهمی بود که امام قلی خان برای رفاه حال تجار فراهم کرده بود (همان: ۲۱۶-۲۱۷). سیاوش بیگ نیز از نقاشان بنام عصر صفوی بود که با داشتن نژاد گرجی توانسته بود به خلق آثار زیبا در ساختمان های این دوره دست زند. برادر وی فرخ بیگ منصور نیز برای مدتی در دربار شاه طهماسب به فعالیت های هنری مشغول بود و سپس به دربار اکبر شاه روی آورد و فعالیت خود را تلاوم بخشید (رادفر، ۱۳۸۵: ۸۵).

### ۳. دستیابی حکومت صفوی بر تجارت ابریشم در گرجستان

فراوانی تولید ابریشم و اهمیت آن به عنوان یک کالای صادراتی و استراتژیک، سبب اتخاذ سیاست انحصار آن توسط شاه عباس اول و در پی آن به کارگیری بازرگانان با تجربه گرجی و ارمنی در اجرای این سیاست گردید اقتصاد ابریشم نه تنها طیف وسیعی از جامعه صفوی را در بخشهای تولید توزیع، بافندگی فروش و صادرات آن به کار گرفته بود، بلکه به روند تکاملی صنعت نساجی نیز سرعت بخشید و عملاً فراوانی محصول ابریشم سبب افزایش مهارت ایرانیان در صنعت ابریشم شده بود. از سوی دیگر، افزایش تولید ابریشم خام و مرغوب در نواحی مختلف کشور و اهمیت اقتصادی و سیاسی این کالا، آن را به یک کالای استراتژیک صادراتی تبدیل کرده بود و اتخاذ سیاست انحصار و هدفمند ساختن صادرات ابریشم و محصولات آن توانست، ضمن افزایش صادرات، بر روابط اقتصادی و سیاسی ایران با دیگر کشورها نیز تأثیر می گذاشت. همچنین انحصاری کردن خرید و فروش ابریشم می توانست از صادرات آن به عثمانی جلوگیری نموده و در نتیجه به لحاظ نظامی به اقتصاد جنگی آن کشور، به عنوان یک دشمن دیرینه ضربه زند. از دیدگاه اقتصادی نیز، صدور ابریشم به خارج، با هدف ایجاد موازنه ی تجارت خارجی، برای ایران اهمیت حیاتی داشته است. زیرا موازنه ی تجاری ایران با کشورهای غربی گرچه مثبت بود اما در تجارت با کشورهای شرقی، به ویژه با هندوستان منفی بود. گذشته از این، شاه عباس در نخستین سالهای سلطنت خود دریافته بود که داد و ستد بازرگانی ایران با کشورهای بیگانه چندان رونقی ندارد و به سبب افزونی واردات بر صادرات، از ارزش مقدار سرمایه های نقدی کاسته شده

است. از همین رو، با افزایش صادرات ابریشم، ایران مقدار زیادی پول مسکوک و فلزات گرانبها وارد می نمود که با آن، هم نظام گردش پولی کشور سر و سامان می یافت و هم بخشی از نابرابری تجاری ایران - به دلیل کمبود معادن نقره و طلا - با شرف، به ویژه با هندوستان جبران می شد و در نهایت به لحاظ سیاسی، انحصار ابریشم ابزار مناسبی برای مقابله با یکه تازیهای پرتقالیهها در تجارت خلیج فارس، به ویژه در تجارت ابریشم محسوب شده و شاه عباس با آن می توانست تا حدی با خودسریهای آنان برخورد نماید از این رو شاه عباس، هم برای اتخاذ سیاست معقولانه در برابر نفوذ پرتغالی ها و هم برای تأثیرگذاری بر روابط خارجی ایران با دیگر کشورها، تجارت ابریشم را به انحصار خویش درآورد (سلطانیان، ۱۳۹۰، ش ۲، سال ۴۴: ۷۹-۸۰ و ۸۶). بر همین اساس، رونق در تولید و فروش ابریشم نیز از فرایندهای مهمی بود که در زمان شاه عباس با حضور گرجی ها شکل گرفت. شاه عباس پس از ایجاد زیر ساخت های نوین سیاسی و نظامی، مناسبات ایران و گرجستان را در مداری نوین قرار داد به گونه ای که به دلیل نیاز تجاری دنیا به تولید ابریشم، بینش سیاسی و تجاری شاه ایجاب می کرد که در راستای پیشرفت حکومت از اوضاع موجود به نفع مصالح کشوری بهره برداری نماید و در صورت حاکمیت بر گرجستان تسلط بر راه های تجاری آناتولی و سایر مسیرها، در روند رقابت تجاری صفویان و عثمانی، راه برای حکومت مقتدر ایرانی هموار می شد. از همین رو شاه عباس با کوچاندن تعداد زیادی از گرجی ها و ارامنه به ایران و به انحصار در آوردن مراکز تولید ابریشم و تجارت آن، سیاست انحصار تولید و تجارت ابریشم را به دست گرفت و عملاً گرجی ها با تولید انبوه ابریشم عمده احتیاجات صفویان را جهت صادرات تامین نمودند (تاورنیه، ۱۳۳۶: ۵۷). تا آنجا که در سال ۱۶۳۷م/ ۱۰۴۷ق و بر اساس گزارش آدام اولتاریوس منطقه گرجستان و ارمنستان از مناطق مهم تولید ابریشم در ایران در عصر صفوی محسوب می شدند که در حدود ۵۰۰۰ عدل ابریشم تولید می کردند (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۳۲۰).

### ۳. نقش زنان گرجی در دربار ایران در عصر صفوی

در زمان حکومت صفویان، علاوه بر سپاهیان، روز به روز بر تعداد کنیزان و زنان گرجی در ایران افزوده می شد. به جز آن چه که در جنگ ها اسیر و به ایران آورده می شدند حکام نیز در افزایش زنان گرجی نقش عمده ای داشتند امیران و حکام گرجستان و ارمنستان و ولایات دیگر،

دختران و کنیزکان خوبروی را برای شاه هدیه می فرستادند و شاه از میان آن ها زیباترینشان را به حرم خانه ی شاهی می فرستاد و زنان پس از ورود به حرمسرای شاه ناچار بایستی قوانین اسلام را محترم می شمردند ( وکیلی و حسینی محراب، ۱۳۹۰، ش ۲: ۸۴). بررسی نقش زنان گرجی در مناسبات و تحولات اجتماعی و سیاسی دوران حکومت صفویان نشان می دهد که حضور آنان در حرمسرای شاه، از نفوذ زنان قزلباش در اتخاذ تصمیمات مهم سیاسی و اجتماعی می کاست زیرا شمار بسیاری از بانوان حرم را زنان گرجی و چرکسی تشکیل می دادند که می توانستند با نفوذ بر شاه قدرت را در اختیار بگیرند (فلسفی، ۱۳۴۷، ج ۲: ۲۱۲ و نیز والسر، ۱۳۶۴: ۱۳ و نیز مینورسکی، ۱۳۶۸: ۷۷). در این میان شرایط سیاسی و نظامی حاکم بر گرجستان که ناشی از تهاجم مکرر قدرت های منطقه نظیر عثمانی و صفوی به آنجا بود، سبب شد تا والیان گرجی نیز با فرستادن دخترانشان به دربار صفویه راه را برای ورود خویش به درون تشکیلات سیاسی و نظامی صفویان هموار می ساختند همچنین برخی از زنان گرجی، نقش میانجی را در برقراری تعادل و تحکیم مناسبات دوستانه برقرار می کردند نقشی که تی تی فال به عنوان یک زن گرجی در دوران حکومت شاه عباس به نحو شایسته ایفا نمود و موجب شد تا پادشاه با داشتن گروگانی از خانواده والیان، از نفوذ و تاثیر زنان بر فرزندان و همسرانشان استفاده کنند همان گونه که او با حمایت شاه عباس، ضمن حفظ فرزندش از گزند دیگر والیان گرجی، والی گری گرجستان را نیز دریافت نمود. از سوی دیگر شاه عباس به منظور حفظ قدرت سیاسی و نظامی صفویان در منطقه گرجستان با استفاده از روش « ازدواج سیاسی » با خانواده های متنفذ تسلط بر این منطقه را افزایش داد به عنوان نمونه ازدواج شاه عباس با تیناتین دختر والی گرجستان گرگین خان و تامارا دختر عبدالغفار از بزرگان گرجی با همین هدف صورت پذیرفت (محمدی و دیگران، ۱۳۹۵، ش ۱: ۵۳-۵۴). گروه دیگری از زنان نیز نقش سفیر صلح و مامور سیاسی را بین دولت های ایران و عثمانی بر عهده داشتند. در بین منابع تاریخی تنها اسکندر بیگ ترکمان نمونه ای از این نوع میانجی گری را بیان کرده است؛ او از زنی گرجی به نام گل چهره بانو یاد می کند که در منازعه شاه عباس و عثمانی، از سوی عثمانی به عنوان سفیر صلح به ایران آمد (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۲: ۷۲۰). به تدریج با حذف زنان قزلباش از حرمسرای شاهی و قدرت گیری زنان گرجی و قفقازی در حرم سرای شاهی، رقابت بین این دسته از زنان افزایش یافت و شرایط برای دسته بندی فراهم گردید به عنوان نمونه آنا خانم مادر شاه عباس دوم که گرجی تبار بود برای جانشینی فرزندش بر مسند پادشاهی با وجود نداشتن امکانات نظامی و صرفا با استمداد از

خواجهان حرم و ساروتقی وزیر اعظم، تلاش نمود تا آنجا که ساروتقی محرم ملکه مادر شد و ثروت هنگفتی برای وی جمع نمود و ملکه با کمک وزیر چنان در دربار نفوذ یافت که اختیار دربار را به دست گرفت (شاردن، ۱۳۴۵، ج ۸: ۳۰۶-۳۰۷).

### نتیجه گیری

در تاریخ روابط ایران با گرجستان آنچه که در نگاه مورخان بیشتر نمود می یافت عملکرد نظامی و حملات متعدد صفویان با هدف تصرف خاک گرجستان بود اما ایجاد روابط صلح آمیز در برهه ای از تاریخ صفوی، منجر به ایجاد تعادل قدرت بین دولت ایران و عثمانی گردید و ثبات سیاسی نیز در مناطق تحت نفوذ صفویان در گرجستان برقرار شد. به عقیده ایوانه جاواخی شویلی دانشمند بزرگ گرجی و بنیان گذار دانشگاه تفلیس، فرهنگ ایران در دوره اسلامی برای گرجیان نامانوس نبود و آنان ضمن حفظ هویت ملی و تاریخی خود، برای علم و هنر ایرانی احترام فراوان قائل بودند و می توان چنین گفت که شعر و فرهنگ سبب ایجاد وحدت معنوی بین گرجیان و ایرانیان شده بود (تائیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان، ۱۳۸۰: ۱۴۰). این تلاش ها برای حفظ روابط حسنه بین شاهان صفوی و والیان گرجی سبب شد تا آنها تمرکز خود را بر ایجاد آرامش و رشد جامعه صرف نمایند به طوریکه سیمون برادر داوود خان متأثر از قدرت مرکزی ایران تغییرات و اصلاحات بسیاری را در گرجستان پدید آورد که وجود آثار تاریخی بسیار به زبان فارسی و گرجی تایید کننده این موضوع است (gelaSvili و 2014 53-41). با این وجود صفویان در مدت بیش از دو قرن حکومت بر ایران بارها بر گرجستان یورش بردند که عمده هدف آنها از این حملات تغییر دادن ترکیب جمعیتی گرجستان و از بین بردن وفاق گرجی ها با یکدیگر بوده است. صفویان با تسلط بر گرجستان و کوچاندن گرجی ها به ایران و به کارگیری آنها در بخش خدمات نظامی و دولتی و کشاورزی نه تنها بر دغدغه های استقلال طلبی آنها به طور موقت پایان بخشیدند بلکه با استیلا بر شاهراه تجاری منطقه قفقاز، به رونق تجارت در ایران بویژه تجارت ابریشم جانی تازه بخشیدند. به این ترتیب هزاران گرجی کوچانده شده توسط شاه عباس، در ایران سکونت یافتند که نوادگان آنان در شهرستان فریدن و نیز در

برخی از شهرهای استان مازندران زندگی می کنند همچنین چندین سال پیش به ابتکار دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی در نخستین و دومین میزگرد گرجستان، عده ای از گرجیان منطقه فریدن به تهران دعوت شده و در این جلسه شرکت کردند و با مهمانان گرجی به زبان گرجی صحبت نمودند آنان هم اکنون خود را یک ایرانی می دانند و در تمامی آیین های موجود در ایران شرکت می کنند و در مشاغل مهم همچون استادی دانشگاه، پزشکی، معلمی و مهندسی مشغول به فعالیت هستند.



## منابع:

۱. اولتاریوس، آدام، (۱۳۶۳)، سفرنامه مسکو و ایران، ترجمه احمد بهپور، تهران، ابتکار.
۲. بابائی، سوسن و دیگران، (۱۳۹۳)، غلامان خاصه نخبگان نوخاسته‌ی دوران صفوی، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز.
۳. برن، رهبر، (۱۳۴۹)، نظام ایالات در عصر صفوی، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، نشر مرکز.
۴. پناهی، عباس، (۱۳۹۴)، پیامدهای لشگرکشی شاه تهماسب اول به قفقاز و گرجستان، مجله پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، ش ۱۷: ۴۷-۶۳.
۵. پور محمدی، نصرالله و انصاری، سمیه، (۱۳۸۹)، منازعات عثمانی و صفویان در گرجستان، فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ، سال پنجم، ش ۱۹: ۷-۲۴.
۶. -----، (۱۳۹۶)، ملاحظات و منازعات صفویان و روسیه در گرجستان با تکیه بر عملکرد شاهزادگان گرجی، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، ش ۱: ۵۳-۶۶.
۷. -----، عادلفر، باقرعلی، -----، (۱۳۹۵)، نقش زنان قفقازی در مناسبات و تحولات سیاسی و اجتماعی دربار صفویه، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، ش ۱: ۳۳-۶۳.
۸. تاریخ ایران دوره صفویه، (۱۳۸۰)، ترجمه یعقوب آژند تهران، جامی.
۹. تاثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان، (۱۳۸۰)، تهران مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
۱۰. تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، (۱۳۳۶)، ترجمه ابوتراب نوری با تجدید نظر دکتر حمید شیرازی، اصفهان، انتشارات کتابخانه سنائی.
۱۱. ترکمان، اسکندریک، (۱۳۸۲)، تاریخ عالم - آرای عباسی، زیر نظر با تنظیم فهرستها و مقدمه ایرج افشار، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۲. حسینی استرآبادی، سید حسن، (۱۳۶۶)، تاریخ سلطانی، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، علمی، ج ۲.
۱۳. حسینی قمی، احمد بن حسین (۱۳۸۳)، خلاصه التواریخ، به کوشش احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱.

۱۴. دلاواله، پیتر، (۱۳۴۸)، *سفرنامه پیتر دلاواله*، ترجمه دکتر شعاع‌الدین شفا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. رادفر، ابوالقاسم، (۱۳۸۵)، *تعامل ادبیات و هنر در مکتب اصفهان*، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
۱۶. روملو، حسن (۱۳۸۴)، *احسن التواریخ*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، اساطیر.
۱۷. سلطانیان، ابوطالب، (۱۳۹۰)، *کارکرد ابریشم و نقش بازرگانان ارمنی در اقتصاد و سیاست صفویان*، پژوهش نامه تاریخ تمدن اسلامی، سال ۴۴، ش: ۲، ۷۹-۱۰۱.
۱۸. سیوری، راجر، (۱۳۹۵)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
۱۹. -----، (۱۳۸۴)، *نظام تشکیلاتی صفویان*، تاریخ ایران دوره صفوی، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی.
۲۰. شاردن، ژان (۱۳۴۵)، *سیاحت نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، تهران، انتشارات امیر کبیر. جلد های ۱ و ۲ و ۸.
۲۱. فلسفی، نصرالله، (۱۳۴۷)، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱ و ۲.
۲۲. فلور، ویلم، (۱۳۸۰)، *دیوان و قشون در عصر صفوی*، ترجمه کاظم فیروزمنده، تهران، انتشارات آگاه.
۲۳. فیگو ئروآ، دن گارسیا، (۱۳۶۳)، *سفرنامه دن گارسیا فیگو ئروآ*، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
۲۴. کجباف، علی اکبر، (۱۳۸۵)، *مناسبات ایران و گرجستان از آغاز تا عصر صفویه*، فصلنامه روابط خارجی، ش: ۲۹، ۲۱-۴۲.
۲۵. کمپفر، انگلیت، (۱۳۶۳)، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، انتشارات خوارزمی.
۲۶. گوگجه، جمال، (۱۳۷۳)، *قفقاز و سیاست امپراطوری عثمانی*، ترجمه وهاب ولی، تهران، مرکز آسیای مرکزی و قفقاز.
۲۷. لانگ، دیوید مارشال (۱۳۸۹) *گرجی ها*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، انتشارات طهوری.
۲۸. منجم یزدی، ملا جلال الدین محمد (۱۳۶۶)، *روزنامه ملا جلال*، به کوشش سیف

الله وحید نیا، تهران، وحید.

۲۹. مولیانی، سعیده، (۱۳۷۹)، جایگاه گرجی ها در تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران، اصفهان، انتشارات یکتا.

۳۰. میراحمدی، مریم، (۱۳۶۹) دین و مذهب در عصر صفوی، تهران، انتشارات امیر کبیر.

۳۱. مینورسکی، (۱۳۶۸)، سازمان اداری حکومت صفوی با تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات امیر کبیر.

۳۲. نوائی، عبدالحسین، غفاری فرد، عباسقلی، (۱۳۹۲)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در دوران صفویه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

۳۳. والسر، شوستر سیبیل، (۱۳۶۴)، *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپائیان*. پژوهشی در روابط سیاسی و اقتصادی ایران (۱۵۰۲-۱۷۲۲)، ترجمه و حواشی دکتر غلامرضا ورهام تهران، انتشارات امیر کبیر.

۳۴. واله اصفهانی، محمد یوسف، (۱۳۷۲)، *خلد برین، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار*.

۳۵. وحید قزوینی، محمد طاهر، (۱۳۲۹)، *عباس نامه، به تصحیح ابراهیم دهگان، اراک، کتابفروشی واحدی*.

۳۶. وکیلی، هادی و حسینی محراب، زینب، (۱۳۹۰)، *سیاست مذهبی شاهان عصر صفوی نسبت به مسیحیان، پژوهش تاریخ، ش ۲: ۶۵-۹۸*.

1. gelaSvili, .nana, axali realiebi sefianTa iranisa da saqarTvelos politikur urTierTobebSi

XVI saukunis meore naxevarSi, saistorio krebuli, tomi 4 (2014), gv. 44-53

2. Rezvani, Babak (Winter 2009). "The Fereydani Georgian Representation".

Anthropology of the Middle East. Vol:4 52-74